

دو زن که جسد دختری ۱۰ روزه را در یک کوله‌پشتی مدرسه‌ای در یکی از بیمارستان‌های جنوبی تهران رهاکرده بودند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، روز پنجم اسفند امسال یکی از ماموران کلانتری بی‌سیم در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مشکوک دختری ۱۰ روزه در یکی از بیمارستان‌های پایتخت قرار داد. بررسی‌ها نشان داد، مسئولان بیمارستان جسد دختری ۱۰ روزه را در یک کوله پشتی مدرسه‌ای در کنار دستگاه خودپرداز بیمارستان یافته‌اند.

### رهاکردن جسد دختر ۱۰روزه در بیمارستان



## تک‌پلیس به دزدان پایتخت

سارقان در گفت‌وگو با «جام‌جم» به تشریح شگردهای شان پرداختند

#### بدشانسی دزد شوماخر

**۱۸ سال بیشتر ندارد و تا به حال چند بار دستگیر شده است. به دلیل این‌که خودش را شوماخر می‌داند، تصمیم به ورود به دنیای سارقان گرفت. وقتی پشت فرمان موتورسیکلت می‌نشیند، کسی جلودارش نیست. برای همین بود که وارد باند سرقت شد تا همدستانش را فراری دهد. اما یک بدشانسی بار دیگر او را گرفتار ماموران پلیس کرد. وقتی در آخرین سرقتش، مدارک او از جیبش افتاد، رو فت و حالا در گفت‌وگو با خبرنگار ما، از ماجرای سرقت‌هایش می‌گوید:**

**چند وقت است که دزدی می‌کنی؟**

ماجرای سرقت‌های من به سه چهار سال پیش بر می‌گردد. آن زمان یک گوشی نوکیا معمولی داشتم. خیلی دوست داشتم گوشی بهتری بخرم. یک بار بدوستم گفت اگر می‌خواهی گوشی خوب بخری، باید با من همراه شوی و مرا از جایی فراری دهی. من با موتورسیکلت به محلی که دوستم گفته بود، رفتم. آنجا منتظرش ایستادم و او با عجله آمد و فرار کردیم. فهمیدم، گوشی دزدیده است. همان زمان با پول فروش گوشی دزدی، توانستم گوشی‌ام را عوض کنم و تصمیم گرفتم این کار را ادامه دهم.

**یعنی فقط به خاطر یک گوشی سارق شدی؟**

فقط گوشی نبود. من در فضای مجازی، سارقان زیادی را می‌دیدم که دست به دزدی می‌زنند. از بچه محل‌هایم خبر داشتم که چطور با همین دزدی، توانستند زندگی‌شان را تغییر دهند. برای همین ترغیب شدم من هم سرقت کنم. آخر من دست فرمان خوبی دارم. وقتی پشت فرمان موتور می‌نشینم، کسی جلودارم نیست. وقتی فهمیدم این استعداد را دارم، گفتم چرا که نه. من هم می‌توانم یک سارق حرفه‌ای باشم. حتی دوست داشتم به خاطر مهارتم، باند خودم را تشکیل دهم و رئیس گروه شوم. چون مهارتی داشتم که کمتر کسی آن را داشت.

**یعنی این کار را آن قدر ادامه می‌دهی تا رئیس باند شوی؟**

نمی‌دانم. ولی همیشه دوست داشتم یک سر و گردن از بچه‌های باند بالاتر باشم و به آنها دستور بدهم.

**چطور شد که دستگیر شدی؟**

این بار بدشانسی آوردم. وقتی بعد از سرقت داشتیم فرار می‌کردیم، مدارک شناسایی‌ام از جیبم روی زمین افتاده بود. وقتی پلیس برای تحقیق به آنجا رفته بود مدارک من به دستشان افتاد. چون سابقه‌دار هستم، خیلی زود شناسایی و دستگیر شدم.

بررسی‌های اولیه نشان می‌داد یک شبانه روز از مرگ این نوزاد می‌گذرد اما علت فوت مشکوک بود. پرستاری که جسد نوزاد را یافته بود در اظهاراتش گفت: همکارانم از شب قبل این کیف را دیده بودند اما تصور کردند یکی از پرسنل یا همراهان بیمارمان در آن محل جا گذاشته و برای برداشتن آن باز می‌گردد. بنابر این کسی به درستی توجهی به وجود کیف نکرده بود. من هم به طور اتفاقی آن کیف را دیدم و آن را برداشتم تا به حراست تحویل دهم که متوجه شدم سنگین است. وقتی آن را با یک‌رگم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم و

دیدم جسد نوزاد دختری ۱۰ روزه در آن است. ماموران به بازمینی فیلم‌دوربین مداربسته بیمارستان پرداختند و معلوم شد ساعت ۱۷ عصر روز گذشته دو زن به عنوان مراجعه‌کننده وارد بیمارستان شده و آن کیف را گذاشته و فرار کردند. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: قرار شد پزشکی قانونی علت مرگ نوزاد را مشخص کند. همچنین دوزنی که جسد را در بیمارستان رهاکرده بودند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.



**فرمانده انتظامی تهران بزرگ از دستگیری ۲۶۵ سارق و مالخر و کشف ۵۰ میلیارد تومان اموال سرقتی در پایتخت خبر داد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، سردار عباسعلی محمدیان با حضور در طرح کاشف پلیس آگاهی برای دستگیری سارقان و مالخران، درباره برخی انتقادات به پلیس گفت: بعضی از افراد به پلیس انتقاد دارند که تنها در صورت پخش فیلم سرقت‌ها در فضای مجازی، اقدام به دستگیری سارقان می‌کند، در حالی که اینجا صدها تلفن همراه سرقتی و چندین گرم طلا پیدا شده که فیلم هیچ‌کدام پخش نشده بود. بنابراین به مردم قول می‌دهیم هر جرمی که رخ دهد پلیس به آن رسیدگی می‌کند. در آخرین مرحله از طرح کاشف پلیس آگاهی تهران بزرگ در ۷۲ ساعت گذشته، ۵۳۰ تلفن همراه و مقدار زیادی طلا و سایر لوازم منزل کشف شد. همچنین ۲۵ خودرو و ۴۰ موتورسیکلت سرقتی نیز کشف و توقیف شد. سردار محمدیان افزود: ما شگردهای سارقان را لو می‌دهیم تا مردم بیشتر حواس خود را جمع کنند و اگر مردم کمی رعایت کنند، این میزان سرقت‌ها رخ نمی‌دهد.**

#### ماجرای سرقت‌های دزد پولدار

**با یک خودروی لاماری به سرقت می‌رفتم. با کیسه سوراخ، از خیابان طلا و پول می‌گرفتم و آنها را سرکیسه می‌کرد. این دزد سابقه‌دار وضع مالی خوبی دارد و به دلیل پول دست به سرقت نمی‌زند. او فقط به خاطر این‌که به دزدی اعتیاد پیدا کرده، خیبران را هدف سرقت‌هایش قرار می‌داد. این سارق نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ما از ماجرای دزدی‌هایش می‌گوید:**

**وضع مالی خوبی داری؟**

بله. پدر و مادر من خیر هستند. من برای کرایه خودرویی که با آن به سرقت می‌رفتم، شبی یک و نیم میلیون تومان پول پرداخت می‌کردم.

**چه خودرویی؟**

من عاشق لاماری هستم و این خودرو را برای سرقت کرایه می‌کردم.

**چرا سرقت می‌کنی؟**

انگار به دزدی، اعتیاد پیدا کرده‌ام. دوست دارم این کار را انجام دهم. همیشه هم تنها بوده‌ام. هیچ وقت عضو باند یا گروهی نشدم. چون سرقت‌های تک‌رو دوست دارم.

به عنوان فرد خیر، سراغ زنان و مردان میانسال می‌رفتم. از قبل

#### اجرای حکم مرگ ۲ قاتل و یک سارق خشن

دو متهم به قتل و یک سارق زورگیر در زندان قزلحصار کرج به دار مجازات آویخته شدند و یک قاتل هم مهلت یک‌ماهه گرفت. سارق اعدام شده با شمشیر به طعمه‌هایش حمله می‌کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نخستین اعدامی به نام شهرام، دهم دی سال ۹۹ با یکی از دوستانش در خیابان دچار اختلاف و درگیری شد و پس از شدت گرفتن این جروبحث، در عصبانیت با ضربه چاقو دوستش را کشت و بعد از چند روز فرار بازداشت شد. والدین مقتول برایش قصاص خواستند و او در دادگاه حکم مرگ گرفت. دومین زندانی محسن بود که چهاردهم اردیبهشت سال گذشته با مقتول و چند نفر از دوستانش برای تفریح به بوستان ولیعصر (ع ر) در جنوب تهران رفته بودند که موقع شوخی دعوایشان شد و در ادامه دوستش را با ضربه چاقو کشت و در دادگاه حکم قصاص گرفت.

سومین زندانی بهرام بود که ۱۰ سال پیش مردی میانسال را بر سر اختلاف‌های شخصی در یکی از محله‌های تهران با ضربه‌های چاقو کشت و بعد از محاکمه در دادگاه حکم قصاص گرفت.

چهارمین زندانی مردی سارق بود که هنگام سرقت اگر قربانیان اندکی مقاومت می‌کردند با شمشیر و قمه آنها را زخمی می‌کرد. او و همدستش از سارقان خشن بودند که بعد از سرقت و زورگیری گوشی در محله مرزداران تهران، شانزدهم شهریور سال ۱۴۰۱ از سوی ماموران کلانتری مرزداران تهران تحت تعقیب قرار گرفتند. حتی پلیس شش تیر به سمت‌شان شلیک کرد که در این تعقیب و گریز با خودرویی تصادف کردند و متوقف شدند. این سارقان که در مناطق شمال غرب تهران و شهرک غرب بازاغ‌زنی گوشی‌های موبایل گران‌قیمت برندهای معروف را سرقت می‌کردند اگر مالباختگان کمی مقاومت می‌کردند آنها را با قمه و چاقو زخمی می‌کردند. آنها حتی با قمه و شمشیر سر و صورت زن و مرد مالباخته‌ای را در بوستانی به شدت زخمی کرده بودند به طوری که آن دواز مرگ بازگشتند. برای آنها پرونده‌ای با اتهام محاربه از طریق مباشرت در چندین قفرو سرقت مسلحانه و استفاده از سلاح شمشیر، قمه و نیمچه تشکیل و به دادگاه انقلاب تهران ارسال شد. متهم حکم اعدام و پرداخت دیه گرفت و پرونده همدستش به دادگاه ارسال و محاکمه شد.

دیروز این چهار زندانی به محوطه زندان قزلحصار کرج منتقل شدند. اولین زندانی توانست رضایت والدین مقتول را جلب کند و حکمش اجرا شد. دومین محکوم با وجود راه‌اندازی کمپین مجازی برای جلب رضایت، نتوانست رضایت مادر مقتول را جلب کند که او هم حکم قصاصش اجرا شد. سومین زندانی توانست یک ماه از فرزندان مقتول مهلت برای جلب رضایت بگیرد. حکم اعدام سارق خشن هم که پیش از این حکمش با توبه نامه متوقف شده بود، اجرا شد.

## جام‌جم

## حوادث INCIDENT

پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳ ۱ شماره ۶۹۹۳

عذلیه

#### بازداشت مرد همسرکش در خواب

مردی که همسرش را کشته و جسد او را به آتش کشیده بود، وقتی در خودرویش در اتوبان تهران - کرج به خواب رفته بود، از سوی پلیس بازداشت شد. به گزارش جام‌جم، بعداز ظهر بیست و هفتم بهمن امسال جسد سوخته زنی در پشت دیوار باغی در حوالی محله چیتگر در یک محوطه خاکی کشف شد. تحقیقات پلیسی در این رابطه ادامه داشت تا این‌که چندروز پیش پلیس جنایی پایتخت از طریق پلیس شهرقدس در غرب استان تهران با خبر شد خانواده‌ای به اداره پلیس رفته و اعلام کرده‌اند که داماد خانواده دخترشان را پس از قتل سوزانده و در تهران رها کرده است. ماموران با بررسی موضوع متوجه شدند جسد سوخته کشف شده به دختر آن خانواده شبیه است. بنا بر این خانواده او با حضور در پزشکی قانونی تهران هویت جسد را تأیید کردند. دیروز ماموران پلیس آگاهی شهر قدس داماد خانواده و متهم به قتل را در حالی که در خودرویش به خواب رفته بود در اتوبان تهران - کرج شناسایی و بازداشت کردند. متهم در جریان تحقیقات به قتل همسرش با انگیزه اختلاف خانوادگی اعتراف کرد. سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات از متهم در پلیس شهرقدس ادامه دارد.

#### سکوت قاتل خواهر و پرستار شکست

مردی که برسر اختلاف خانه‌موروثی باقندشکن خواهرش و پرستار خانگی خانواده را کشته بود بعد از سه ماه سکوت اعتراف کرد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، فرشید ۵۳ ساله متهم است ۲۸ آبان امسال خواهر ۵۵ ساله‌اش را در پی اختلاف بر سر خانه موروثی‌شان درمحله فرجام، همراه مستاجر خانه که پرستار خانوادگی‌شان بود باضربه‌های قندشکن به قتل رسانده و زن کارشناس رسمی دادگستری را زخمی کرده است. او که پس از ۱۲ روز فرار بازداشت شد، در تحقیقات اولیه منکر قتل‌ها بود تا این‌که باگذشت سه ماه از ماجرا دیروز با انتقال به شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران اعتراف کرد و گفت: سال‌ها قبل در ایروان ارمنستان درس خواندم و مدرک متافیزیک گرفتم. کارهای طب سنتی انجام می‌دادم. در درمان‌ام اس‌تبحر داشتم و با داروی دست‌ساز درد آن را برای بیماران کم می‌کردم. مدتی در شهرستان کارهای درمانی انجام‌دادم که خانواده‌ام موضوع را به پلیس گفتند و بابت مداخله در امور پزشکی مدتی بازداشت و زندانی شدم. پدرم بیمار بود و مردی از او پرستاری می‌کرد. شش سال قبل و بعداز فوت پدرم، آن پرستار خانگی از مادرم نگهداری می‌کرد که او نیز یک سال قبل فوت کرد. وی افزود: خواهر و برادرم قصد فروش خانه‌موروثی را داشتند. از آنها خواستم سهمم را بدهند تا دستگاهی که برای بسته بندی کشک خوراکی خریده‌ام را در خانه راه‌اندازی و کاسی‌کنم که سهمم را ندادند. آن روز خواهرم با پرستار خانگی که یک ماه قبل از خانه‌مان رفته بود و زنی که کارشناس رسمی دادگستری بود، به خانه‌موروثی آمدند. خواهرم می‌گفت حکم پلمب ملک را دارد تا مقدمات فروش آن فراهم شود. عصبانی شدم دعواکردیم و عصبانی شدم. از طبقه دوم قندشکن آوردم ضربه‌هایی به خواهرم و آن مرد و زن وارد کردم. حسین گودرزی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبربه جام‌جم گفت: با اعتراف متهم به دو قتل و سوءقصد به جان یک نفر دیگر تحقیقات از او ادامه دارد.

#### پسر مادرش را کشت

پسر جوانی که مادر خود را به قتل رسانده بود، ساعتی پس از ارتکاب جنایت بازداشت شد. به گزارش تسنیم، ساعت ۲۱ شامگاه هفتم اسفند امسال مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس در خیابان صرف‌ها هنگام گشتزنی به پسر جوانی جلوی یک رستوران مشکوک شدند و اقدامات اولیه را آغاز کردند. مأموران کلانتری هنگامی که نزدیک پسر جوان شدند با مشاهده دستان خونین او در این باره از او سوال کردند که با اظهارات ضد و نقیضی مواجه شدند. او که چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت، از یک جنایت هولناک راگزشایی کرد و مدعی شد مادرش را باضربه چاقودر محله باغ‌فیض به قتل رسانده است. ماموران با هماهنگی قضایی به خانه آنها در محله باغ‌فیض در غرب تهران رفتند و جسد زن میانسالی را که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود کشف کردند. پسر جوان در تحقیقات مقدماتی به قتل مادر خود اعتراف و انگیزه ارتکاب جنایت را مسائل خانوادگی عنوان کرد.